

من یک زندانی هستم و با این مشکلات روبه‌رو هستم.

داخل زندان آمیزش جنسی
محافظت نشده داریم، اما برای
هیچ‌کسی مهم نیست.

روز اولی که وارد زندان شدم،
مورد تجاوز گروهی قرار گرفتم.

۲۰ نفر از ما را هر روز در
یک سلول حبس می‌کنند.

باید از سرنگ مشترک برای
تزریق مواد استفاده کنم، چون
سرنگ در زندان ممنوع است.

این جا متادون پیدا نمی‌شود،
برای همین دوباره سراغ مواد
مخدر تزریقی رفتم.

تن فروشی کردم تا خرج بچه‌هایم
را بدهم. وقتی زندان هستم، کسی
مراقب آن‌ها نیست.

در زندان نه
کاندوم هست و نه
لوبریکانت.

خیلی مریضم، اما نمی‌شود
دکتری را ببینم.

بدون هیچ دادگاهی، ماه‌ها
حبس کشیده‌ام.

برای حفاظت خودم از
خشونت، مجبورم به آمیزش
جنسی تن بدهم.

از وقتی به زندان آمده‌ام، درمان
اچ‌آی‌وی من متوقف شده است.

نگران امنیتم هستم.

به حق و حقوق خودم آگاه
نیستم و وکیلی هم ندارم.

